

بررسی خلاقیت در کلاس درس

زهراسادات چیره دست (نویسنده مسئول) میناباسی ۲

۱- آموزگار ابتدایی تهران کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی www.zahrasadat31@gmail.com

۲- معاون آموزشی تهران کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی minaabassei000@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: وقتی به پرورش تفکر واگرا می پردازیم، به ایجاد انگیزه و علاقه در کودکان برای یادگیری عمیق تر کمک می کنیم. تشویق کودکان به ارائه ایده های نو، توانایی های تفکر خلاق را در آنها پرورش می دهد. هدف بررسی خلاقیت در کلاس درس است.

مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهاد کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش هنگامی که کودکان یاد می گیرند با نادانسته های شان برخورد درستی داشته باشند، در حال پرورش توانایی تفکر پیچیده ی خود هستند.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که کودکان نیاز به کمک دارند تا یاد بگیرند که هر چیزی تنها امکان موجود نیست، ولی پذیرفتنی است، تا بتوانند ایده ها و نظرهای مخالف و ناهم ساز را به طور هم زمان در ذهن شان داشته باشند. به آنها اجازه بدهید با ایده هایی که ممکن است نادانسته یا غیر منطقی باشند، بازی کنند.

واژگان کلیدی: خلاقیت، کلاس درس، تفکر خلاق، ایجاد انگیزه.

مقدمه

تفکر خلاق، از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های ذهن آدمی است که بر مبنای تخیل و شهود است و می‌توان آن را فرآیندی ذهنی دانست که از آن برای ایجاد ایده‌های نو استفاده می‌شود. تفکر خلاق با انعطاف‌پذیری، نوآوری و ارزش اجتماعی همراه است. [۱].

این تفکر در همه ابعاد زندگی بشری بروز کرده و بین تمام انسان‌ها مشترک است. هنگامی که قدرت آگاهی و اطلاعات ذهن افراد با رشد مناسب فکری توأم باشد، آن گاه قدرت استدلال ذهنی بیشتر می‌شود و تفکر خلاق که تفکری سطح بالا است، به وجود می‌آید. مهارت تفکر آفریننده و خلاق موجب خلق آثار جدید و تصویرسازی از موضوعات در ذهن است. [۲]

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و و کتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری

یاد دادن خلاقانه

برای ارتقای خلاقیت کودکان موارد زیر را در نظر داشته باشید:

- یک روش مهم برای این که کودکان به ارزش خود پی ببرند، ارتباط متقابل با شماست.
- در ارائه ی توصیف های مثبت از ایده‌ها و کارهای کودکان، دست و دلباز باشید.
- بر هر کودک و رقابت او با هدف پرورش فردیت و اعتماد و خلاقیت او تمرکز کنید.
- نشست های گروهی برای ارائه ی ایده‌های کودکان به ویژه در حوزه‌های حل مسئله برگزار کنید [۳].

پرسشهای باز

پرسشهای باز یا سقراطی، روشی مناسب برای جاری ساختن جوهر خلاقیت در کودکان است. این پرسشها به آنها کمک می‌کنند تا از زمان و مکان فاصله بگیرند. گزینه ها، مقایسه ها، ایده‌های نو، ساختار بندی و پاسخ های بی همتا به این پرسشها، همه، اجزای مهم در تفکر خلاق هستند. پرسش باز برای الهام بخشیدن به خلاقیت کودکان مانند نمونه های زیر:

- اگر همیشه شنبه ها باران ببارد، چه اتفاقی می‌افتد؟
- چه می‌شد اگر خودرو ها هیچ وقت کهنه نمی شدند؟
- اگر یک موش ببیند که در حیاط خلوت، گل های مورد علاقه ی مادران را می‌چود، چه کار می‌کنید؟
- چرا ما با موهای مرتب و شانه شده از خواب بیدار نمی شویم؟
- چه اتفاقی می‌افتد اگر یک گاو، یک زنبور و یک شبدر با هم یک جا باشند؟
- چه می‌شد اگر گربه ها پارس می‌کردند؟

- اگر همه‌ی کشف‌های دنیا یک اندازه بودند، چه می‌شد؟

پرسشهایی را به یاد بیاورید که ممکن است برای یک کودک سخت باشد و تجربه‌ی مرتبط اندکی در زمینه‌ی آن داشته باشد. برای نمونه، در دنیای واقعی، بعضی از کودکان شهری هرگز گاو و شبدرد ندیده‌اند. مطمئن شوید که پرسشهای تان با دانش تجربی کنونی کودکان همخوانی دارند. اگر امکان دارد، آنها را به یک کشتزار ببرید، به آنها فیلمی نشان بدهید یا کارشناسانی را دعوت کنید که برای افزایش زمینه‌ی تجربی کودکان از مکانهای مختلف به کلاس آنها بیایند. اگر روشهای برانگیختن خلاقیت کودکان را در برنامه‌های آموزشی آنها بگنجانید جالب خواهد بود. وقتی کودکان درگیر هنر، بازی خلاقانه، یا موسیقی و فعالیت‌های حرکتی می‌شوند، تفکر سنجیده و برنامه‌ریزی، می‌تواند به آنها کمک کند که در توانایی‌های تفکر خلاق تواناتر شوند [۴].

دستیابی به درک عمیق‌تر از راه هنر نقاشی انگشتی و با سه پایه و در حال گوش دادن به قطعه‌ای موسیقی کلاسیک، طراحی، کار با سفال، کار چاپ، بازی با نشاسته با انگشتان، تنها نمونه‌های اندکی از فعالیت‌های هنری هستند که خلاقیت را تقویت می‌کنند و هم‌اکنون در بسیاری کلاس‌های کودکان به آنها می‌پردازند. مشاهده‌ی دقیق، کشف‌های خلاق را آشکار می‌کند. برای نمونه یک آموزشگر ممکن است یک قلم موی بزرگ نقاشی و یک فنجان رنگ آبی را به یک کودک پیش دبستانی بدهد. او ممکن است به هر قطعه‌ی آبی که روی کاغذش هست توجه کند. امکان دارد در یک شادی رویایی، قلم مویش را به رنگ آبی روی کاغذش آغشته کند و با چشمان شگفت زده، نوار اولیه‌ی آبی را که در رنگ غرق می‌شود، نگاه کند و قطره‌های بزرگی را که از رنگ آبی که آرام از کاغذ پایین می‌خزد، دنبال می‌کند، او از خلق سایه‌ی آبی بیش‌تر حیرت می‌کند. در این مشاهده، آموزشگر می‌تواند کشف کودکان را هنگامی که لایه‌های بیش‌تر، تغییرات تراکم رنگ و مقدار بیش‌تری شره (ریزش) رنگ ایجاد می‌کنند، تحسین کند. حساسیت شما به قدرت کشف کودکان، اشتیاق آنها را برمی‌انگیزد و زمینه‌های خلاقیت را فراهم می‌کند [۵].

حرکت‌های جادویی

بعضی کودکان نیاز دارند بیش‌تر به حرکت‌های شوق‌انگیز بپردازند. این کودکان بهتر است به تحرک تشویق شوند. در صورت امکان، کودکان را به دو گروه بخش کنید، یک گروه با دست زدن، موسیقی بنوازند یا پاهای شان را بر زمین بکوبند. از گروه دوم بخواهید با دقت به ریتم‌های گروه دیگر گوش بدهند و با آنها و شیوه‌های خلاقانه آنها را همراهی کنند. در این فعالیت کودکان یاد می‌گیرند که موضوع‌ها را با استفاده از حرکت شان در فضا نمایش بدهند. آنها عاشق این هستند که سعی کنند مثل یک خرگوش بجهند. کودکان بزرگ‌تر ممکن است از حرکت کردن مانند لاک پشت یا یک اژدهای پرنده یا فیل لذت ببرند. از آنها بپرسید چگونه از بدن شان برای نشان دادن احساسات خود، همچون هیجان، لذت و خشم بهره می‌گیرند [۶].

تفکر خلاق در بسیاری از بازی‌های گروهی گنجانده شده است، مثل بازی «مار بزرگ». در این بازی، کودکان روی شکم‌های شان می‌خوابند و قوزک پای نفر جلویی را می‌گیرند تا شکل یک مار دو نفره را ایجاد کنند. مار روی شکمش می‌خزد و بازی پیش می‌رود تا یک مار چهار نفره ساخته شود و همین‌طور ادامه پیدا می‌کند. کودکان ناچارند ادای مار در حال خزیدن را ادر بیاورند که چگونه روی یک کوه می‌خزد یا بدون این که هیچ قسمتش جدا بشود، به پشت بر می‌گردد.

بازیهای «تنها تصور کن» به کودکان اجازه می‌دهند که با تخیل خود به پرواز در بیایند. ضرورت این بازی‌ها، بازیابی اطلاعات از حافظه است تا ایده‌ها را با هم بسنجند و ارتباط‌هایی میان بخش‌های اطلاعاتی جداگانه برقرار کنند. در زمان استراحت، باید به کودکان اجازه بدهید که سناریوهای مختلف خیالی را به تصویر بکشند، همچون پرنده‌ای که میان سقف‌ها راه می‌رود به دنبال چیست؟ چگونه کودکان در رختخواب خودشان از بالاترین نقطه‌ی سقف به پرواز در می‌آیند؟ همچنین می‌توانید از کودکان بخواهید که ادا در بیاورند: به آنها بگویید شما می‌توانید جانوری باشید که دوست دارید. چه جانوری را انتخاب می‌کنید؟ چه کارهایی به جای آن جانور در طول روز انجام می‌دهید؟ [۷]

برخی از بازیهای خلاق به کودکان کمک می‌کنند که بیشتر درباره‌ی خودشان یاد بگیرند و اولویت‌ها و واکنش‌های خودشان را تشخیص دهند. در این بازی می‌توانید پرسید: فرض کنید به شما سه شیء داده شده (سه شیء را نام ببرید). اگر قرار باشد یکی را برگردانید، کدام یکی از آنها را پس می‌دهید؟ چرا؟ با آن دو تای دیگر چه کار می‌خواهید انجام بدهید؟ آیا می‌توانید از آنها با هم استفاده کنید؟ چرا؟

بازی «کاربردها» توانایی‌های کودکان را در جادوی کاربردهای غیرعادی و غیرمعمول برای اشیایی مثل قوطی کنسرو، گیره‌ی کاغذ یا مقوای نازک، رول دستمال کاغذی و... کشف می‌کند. هنگامی که آموزشگر، چند کراوات به یک گروه کودک شش ساله می‌دهد، آنها از کراوات‌ها به عنوان کمر بند صندلی در مسافرت هوایی استفاده می‌کنند. همچنین وانمود می‌کنند که کراوات‌ها مار هستند و روی زمین می‌خزند. به کودکان این فرصت را بدهید که بر پایه‌ی نمایش‌های خیالی‌شان تا پایان پیش بروند و سپس زیر چشمی از جادوی خلاقانه آنها لذت ببرید [۸].

پیک نیک داخلی

با کودکان برای خلق یک سناریوی خیالی داخل خانه، برنامه ریزی کنید که حال و هوای همه را در یک روز تیره‌ی زمستانی عوض کند. برای نمونه، تلاش کنید یک پیک نیک تابستانی در کلاس اجرا کنید. یک ملافه‌ی بزرگ پهن کنید. چند صدف و حتی چند مشت شن را داخل لوله‌های پلاستیکی با آب کم بریزید. با کودکان همکاری کنید تا ساندویچ‌های مختلف و تکه‌های میوه آماده کنند. از والدین‌شان بخواهید که چند دست لباس تابستانی برای‌شان بفرستند. کودکان پیش دبستانی حتی می‌توانند مایو بپوشند و حوله با خودشان بیاورند. یک استخر کوچک پلاستیکی روی کف کلاس بگذارید و با کودکان به شنا بروید. آنها می‌توانند روی لبه‌ی صفحه‌ی شنی، کلوچه‌های شنی یا صدف درست کنند [۹].

شعر بخوانید. پژوهشگران مغز بر برقراری ارتباط میان مسیرهای عصبی، از راه تنوع و غنای داد و ستدهای زبانی تاکید می‌کنند. هر چقدر در سال‌های نخست از مغز کار بیشتری بکشید مغز فعال‌تر می‌شود. می‌توانید از شعر برای تشویق کودکان در حل مسئله‌ها و این پرسش که بعد چه اتفاقی می‌افتد، استفاده کنید. شعر بامزه را از کتاب‌های شعر کودکان انتخاب کنید و در پیک نیک تابستانی در کلاس با کودکان آزمایش کنید.

سازمان دهی برای خلاقیت

شما چطور کف کلاس را برای رویدادهای خلاقانه آماده می‌کنید؟ فضای کافی برای گوشه‌های ایمن و خودروهای کافی و بلوک‌هایی برای ایجاد بزرگراه و ترافیک فراهم کنید. سه پایه‌ها و روپوش‌هایی با بندهای گردنی پلاستیکی داشته باشید تا کودکان آنها را برای فوران الهام‌های‌شان بپوشند. سعی کنید محدودیت‌های زمانی کمتری برای فعالیت‌هایی که خلاقیت کودکان در آنها از قید و بند ساعت کلاس رها می‌شوند، ایجاد کنید. داستان خوانی و فعالیت‌های گروهی نیز شیوه‌های جالبی برای افزایش همکاری اجتماعی هستند. البته برای مشارکت همه‌ی کودکان در فعالیت‌ها باید برنامه ریزی شود. آنها ممکن است تصور کنند که قسمت ویژه‌ای از برنامه مربوط به آنها نیست. برای نمونه، اگر کودکان بازی را بیرون از فضای کلاس انجام می‌دهند و یک کودک می‌خواهد قلعه‌ی شنی بسازد، آموزشگر دارای انعطاف، با این انتخاب شخصی تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد و با دور اندیشی چنین خواسته‌های شخصی را به گونه‌ای مدیریت می‌کند که رشد کودکان آسیب نبیند [۱۰].

الگوهای بازی - هیجان انگیز

از ضرورت‌های یک کلاس، فضای بازی پر هیجان است. آموزشگران، بیشتر وقت‌ها از خودشان می‌پرسند آیا سناریوهای ثابت بازی هیجان انگیز می‌تواند به هر شکل خلاق باشند؟ کودکان چون همدیگر را تعقیب می‌کنند، بعضی‌هایشان دوست دارند هیولا باشند و بقیه جیغ بزنند و فرار کنند. بازی تکراری هیولا به هیچ‌بخش هیجان انگیزی نیاز ندارد، اما آموزشگرانی که می‌خواهند خلاقیت کودکان را تقویت کنند، می‌توانند به پیوند کلیشه‌ی رفتاری آنها به دنیای بازی رویایی بزرگتر، کمک کنند. ما به عنوان آموزشگر، مشاهده‌کننده‌های ثابتی هستیم و از ترس‌ها و شخصیت و نقاط قوت و استفاده از رویاهای کودکان آگاهی داریم.

به الگوهای تکراری کودکان و این که چگونه به مقابله با اضطراب آنها کمک کنیم، دقت کنید. از آنها برای درک بیش تر بازیهای انگیز و رویاهای شان سوال کنید. ارتباط میان کودکان و آموزشگران، چگونگی شکل دهی مکان و زمان کلاس و منابع موجود، عوامل مهمی در پرورش خلاقیت اند. کلاس ها همان مکانهایی هستند که کودکان در آنها از جنبه‌ی علاقه ها و ارتباط ها و منابع کاشفانه ی خود بدون ترس یا مخالفت همکلاسی ها و آموزشگران تقویت می‌شوند و آموزشگران آماده می‌شوند تا منابع ارضای خلاقیت کودکان را که تشنه ی آن هستند، فراهم سازند. کلاس ها مکانهایی هستند که ممکن است شکوفه های خلاقیت در آنها بشکفند و رشد کنند [۱۱].

تفکر سالم در کودکان

تفکر در کودکان مجموعه ای از توانایی‌های عالی ذهنی مانند توانایی استدلال، حل مسئله، خلاقیت، حافظه، سازماندهی تکالیف، زبان و ... است. برخی کودکان بالفطره دارای یک سری توانایی‌ها هستند که در محیط‌های مناسب و در اثر تمرین و تقویت شکوفا می‌شوند. یادگیری، حافظه و هوش از جمله مهارت‌های ذاتی تفکر هستند که در شرایط محیطی، خانواده، تعلیم و تربیت مناسب رشد پیدا می‌کنند. در نخستین ماه‌های تولد منابع شکل گیری تفکر صحیح مانند تجارب، آموخته‌ها و معلومات هنوز به درستی شکل نگرفته‌اند و این باعث شکل گیری تفکر سطحی و ناقص در کودک می‌شود. کودک در این زمان با دریافت محرک‌ها و شناخت محیط و اشیا شروع به فکر کردن می‌کند. تفکر کودک در این زمان تصویری است و والدین باید کودک را در شناخت و کشف محیط آزاد گذاشته و فرصت خلاقیت به او بدهند. کودک با کشف اشیا و محرک‌ها قدم در مسیر کسب دانش و بینش می‌گذارد [۱۲].

چگونه بذر تفکر سالم را در وجود فرزندانمان پرورش بدهیم؟ جای هیچ بحثی نیست که بچه های ما از بچه های نسل قدیم باهوشتر شده اند اما این لزوماً به آن معنا نیست که آنها متفکرتر هم شده باشند. در واقع رشد تکنولوژی که از طریق افزایش تحریکات محیطی موجبات رشد هوشی بیشتر فرزندان ما را فراهم کرده است، از سویی دیگر به دلیل سرعت و تنوع نامحدود خود، فرصت فکر کردن را هم از آنها گرفته است. نتیجه این معادله آن شده است که امروز ما می بینیم فرزندانمان به سادگی هر چیزی را که در رسانه ها و یا از دیگران می بینند می پذیرند، هر حرفی را که می شنوند تکرار می‌کنند و یا هر رفتاری را که می بینند تقلید می‌کنند.

برای اینکه کودکان و نوجوانان داشته باشید که بیشتر اهل فکر کردن باشند و از سبک تفکر سالم و متناسب با فرهنگ خودمان برخوردار باشند لازم است چند کار را انجام بدهید:

- خودتان اهل تفکر باشید. شما به عنوان پدر و مادر، اولین افراد مورد علاقه فرزندانان هستید و به همین دلیل می توانید تأثیری تعیین کننده و مادام العمر روی آنها داشته باشید. اگر فرزندان شما را در حال مطالعه ببیند، اگر شما را اهل تحلیل و نقد خواننده ها و دیده ها و شنیده ها بدانند و اگر ببینند که قبل از هر کاری فکر می کنید، تفکر کردن را از شما خواهد آموخت [۱۳].

- در سرمشق دهی ثبات داشته باشید. فرض کنید که شما می خواهید یک سبک فکری خوب را به فرزندان منتقل کنید. مثلاً می خواهید تفکر امیدوار بودن را به او یاد بدهید. روشن است که میزان یادگیری فرزندان به میزان پای بندی شما به تفکراتان بستگی زیادی خواهد داشت. برای مثال اگر دم از اهمیت امیدوار بودن بزنید ولی در یک مهمانی حرف های ناامید کننده بگویید، نباید انتظار داشته باشید که فرزندان این درس را به طور کامل از شما یاد بگیرد.

- به تفکرات سالم، جاذبه بدهید. فرض کنید می خواهید به فرزندان تفکرات اعتقادی را یاد بدهید، مثلاً می خواهید حجاب و یا نماز را به او یاد بدهید. برای اینکه این تفکرات در فرزند شما نهادینه شوند باید از طریق جذابیت ایجاد کردن برای آنها، فرزندان را نسبت به آن راغب تر کنید. این جاذبه ها باید متناسب با سن فرزند باشند و با صبر و حوصله و خوش خلقی پیگیری شوند [۱۴].

- به فرزندان اجازه تحقیق و پرسش بدهید. بچه ها به خصوص وقتی بزرگتر می‌شوند سؤالاتی از شما می‌کنند که شاید بر خلاف باورهایتان باشند. از شنیدن این سؤال ها تعجب نکنید و با آنها خشن برخورد نکنید. به جای آن سعی کنید با بازی و محبت و در

حد مقتضیات سنی او پاسخ سؤالاتش را بدهید. اگر پاسخ سؤالی را بلافاصله نمی دانید به فرزندتان بگویید که باید درباره آن تحقیق کنید و بعد از تحقیق کردن، جواب سؤال او را بدهید و یا او را نزد کسی ببرید که می تواند پاسخ او را بدهد. نظر فرزندتان را هم بشنوید و با آن محترمانه برخورد کنید.

- ایجاد مثبت نگری در کودکان. برای ایجاد مثبت نگری در کودکان باید از ابتدا توجه کودک را به موضوعات مثبت جلب کرد.
- فرزندتان را انتخابگر بار بیاورید. ما پدر و مادرها عادت داریم از بچگی در همه موارد به جای فرزندمان تصمیم بگیریم، از خوردن و خوراک شان گرفته تا بازی کردنشان. البته که ما موظفیم مراقب امنیت جسمانی و روانی بچه هایمان باشد اما این به معنای آن نیست که نباید اجازه هیچ انتخاب و اشتباهی را به آنها بدهیم. اگر می خواهید فرزندتان آدم متفکری باشد در مواردی که خطری وجود ندارد به او اجازه انتخاب کردن و بعضاً اشتباه کردن بدهید. و اجازه بدهید که او به اشتباه خودش پی ببرد بدون اینکه شما سرزنش کنید [۱۵].

- تفکرات درست او را تقویت کنید. تقویت کردن لزوماً به معنای آن نیست که همیشه به صورت کلامی از فرزندتان تقدیر کنید بلکه به معنای این است که به تناسب سنش او را وارد تصمیمات خانواده کنید. برای مثال در بعضی موارد مناسب با او مشورت کنید. آموزش تفکر مثبت به کودک به شدت توصیه می شود والدین از ابتدای سنین تربیتی کودک یعنی از ۳ سالگی به القای تفکر مثبت در وی و افزایش میل انگیزشی به تجربه کردن بپردازند. برای ایجاد مثبت نگری در کودکان باید از ابتدا توجه کودک را به موضوعات مثبت جلب کرد و از کودک خواست که همه اتفاقات جالبی که روزانه با آن برخورد می کند را تعریف کند و این موضوع باعث توجه روزافزون کودک به خوبی ها و شادی ها شده و توجه او را از افکار منفی دور می سازد.

بررسی خصوصیات خوب و بد در حیطه اخلاق قرار دارد. بنابراین بهتر است از کودک در مورد دلیل بد بودن رفتارهای ناپهناجر مانند دروغ، خشونت، رعایت نکردن حقوق دیگران و... پرسیده شود. از این طریق کودک متوجه دلیل بد بودن رفتار شده و این موضوع در او درونی می شود. الگوی عملی کودکان رفتار والدین و اطرافیان هستند. اگر فردی فرزندش را از رفتاری نپسندیده و خود به انجام آن مبادرت ورزد، کودک دچار دوگانگی شده، ارزشها و هنجارها در او درونی نمی شود. والدین باید رفتارهای صحیح را به کودکانشان یاد داده و درس اخلاق، وجدان و انسانیت به او بدهند [۱۶].

کودک به هیچ عنوان به زور و یا از روی بی توجهی به انجام هیچ کاری نمی پردازد بلکه برای انجام هر کاری نیاز به انگیزه ای قوی دارد که وی را به سمت آن کار سوق می دهد و در این بین والدین هستند که با تقویت مثبت افکار کودک می توانند اعمال و رفتار وی را هدفمند و منسجم سازند و در آینده از وی فردی مثبت‌گرا و اثرگذار در جامعه بسازند.

اندیشیدن

اندیشیدن یکی از اجزاء لاینفک زندگی بشری است. همه ما با اندیشه آشناییم، چه بطور آگاهانه و چه زمانی که به آن توجه نداریم. در واقع باید گفت وجه تمایز انسان از سایر موجودات در همین اندیشمند بودن اوست. از طرفی یکی از عرصه هایی که بطور جدی اندیشه انسان را به خود مشغول داشته "فلسفه" است. فلسفه و تفکر فلسفی در واقع این فرصت را برای آدمی فراهم می آورد که آگاهانه و هر چه بیشتر اندیشمندانه زندگی کند. چنانکه به جرأت می توان گفت، در هیچ برهه ای از تاریخ فرهنگی بشری نمی توان دوره ای را یاد کرد که انسان پس از روی آوردن به اندیشه به فلسفه بی اعتنا بوده باشد [۱].

در همین راستا و در جامعه امروز که تزاید و تناقض آراء بیش از هر زمان دیگری به چشم می خورد و بیانگر این نیاز است که تنها با مدد جستن از یک اندیشیدن جهت یافته و فعالانه است که می توان از آسیب های چنین فضایی در امان مانده و در عین حال گرفتار رکود و جزم اندیشی نشویم، باید راهی یافت که فلسفه را وارد زندگی روزمره نمود تا آموزش آن عمومیت پیدا کند. در واقع آنچه هدف نهایی ما می باشد، پرورش تفکر انسانی است. از همین رو با نظر به اهمیت تفکر فلسفی و نقش مهارتهای تفکر اعم از انتقادی و خلاق در بهبود فضای فکری جامعه ی انسانی و برای اینکه این فرایند را سرعت بخشیم و بتوانیم استفاده بهینه ای از منابع انسانی یا در واقع فکری جامعه انسانی داشته باشیم، بهتر آن است که آموزش را از دوران کودکی آغاز کنیم تا

بزرگسالانی آموزش دیده داشته باشیم. در همین راستا حرکت هایی برای آموزش دادن فلسفه به کودکان انجام شده است، جنبشی که تحت عنوان «فلسفه برای کودکان» در حدود نیم قرن است کار خویش را در سراسر جهان آغاز کرده است و در بیش از ۱۰۲ کشور جهان در حال اجرا می باشد [۲].

پرورش خلاقیت در کودکان

به مهارت تولید اندیشه، توانایی دیدن به شیوه های جدید، کشف راه حل های نو و بدیع، فکر کردن به شیوه های متفاوت، استفاده از چیزهای نامربوط و تبدیل آن به شکل های جدید، خلق راه حل هایی فراتر از راه های متعارف و معمولی تفکر خلاق گفته می شود. تفکر خلاق، از پیچیده ترین و عالی ترین جلوه های ذهن آدمی است که بر مبنای تخیل و شهود است و می توان آن را فرآیندی ذهنی دانست که از آن برای ایجاد ایده های نو استفاده می شود. تفکر خلاق با انعطاف پذیری، نوآوری و ارزش اجتماعی همراه است. این تفکر در همه ابعاد زندگی بشری بروز کرده و بین تمام انسان ها مشترک است. هنگامی که قدرت آگاهی و اطلاعات ذهن افراد با رشد مناسب فکری توأم باشد، آن گاه قدرت استدلال ذهنی بیشتر می شود و تفکر خلاق که تفکری سطح بالا است، به وجود می آید. مهارت تفکر آفریننده و خلاق موجب خلق آثار جدید و تصویرسازی از موضوعات در ذهن است.

این توانایی در تصمیم گیری و نیز حل مسأله سهیم است، بدین صورت که با استفاده از آن، راه های جایگزین در هنگام تصمیم گیری ها و نیز نتایج متنوعی از اعمال فرد یافت می شود. این ویژگی باعث می شود که فرد فراتر از آنچه که به صورت مستقیم تجربه می کند را دریابد. همچنین، در مواقعی که نیازی به تصمیم گیری نیست، این مهارت سبب می شود که او در برخورد با وقایع روزمره زندگی منقطع عمل کرده و خود را با آنها سازگار کند [۳].

برای تقویت خلاقیت در کودکان راه های زیادی وجود دارد. در زیر به چند مورد پرداخته شده است.
- توصیف های مثبت از ایده ها و کارهای کودکان، تشویق پرسش های باز: با نگاهی مثبت و تحسین آمیز از ایده ها و کارهای خلاقانه کودک استقبال کنید و با پرسش های باز یعنی پرسش هایی که در آن کودک کمی باید تأمل کند، وی را به تفکر خلاقانه سوق دهید.

- دستیابی به درک عمیقتر از راه هنر: با استفاده از هنر و تشویق کودکان به انتخاب هنر مورد علاقه خود، آنها را به درک عمیق رهنمون شوید.

- بازی خلاقانه، محیط مناسب: همواره سعی کنید با استفاده از بازی های خلاقانه در محیطی که متناسب با آن بازی ها است، در ارتقای تفکر خلاق کودک بکوشید.

- موسیقی و فعالیتهای حرکتی: موسیقی و فعالیتهای حرکتی می تواند به عنوان یکی از راه های مهم پرورش خلاقیت در کودکان مورد استفاده والدین قرار گیرد.

- بازیها: والدین عزیز می توانند با استفاده از بازی های گروهی، نمایش، پیک نیک داخلی و داستان خوانی جهت ارتقای خلاقیت کودک خود گام های مؤثری بردارند.

- اسباب بازیها: والدین عزیز در خرید اسباب بازی های کودک سعی در انتخاب اسباب بازی های واگرا (انواع لگوها) در مقابل اسباب بازی های همگرا (انواع پازل ها) داشته باشند.

خلاقیت بعنوان یک استعداد بالقوه نیازمند توجه و پرورش است، زیرا این توانایی نیز مانند همه ی توانایی های انسان، جز در سایه بارورسازی به فعلیت نخواهد رسید. از اینرو، پرورش آن می بایست از سنین کودکی آغاز گردد و زمینه سازی جهت رشد آن برعهده خانواده، مهدکودک و مدارس می باشد. در اواخر سالهای ۱۹۶۰، وقتی متیو لیپمن در دانشگاه کلمبیا واقع در نیویورک در رشته فلسفه مشغول تدریس بود، متوجه شد که دانشجویانش فاقد قدرت استدلال و قضاوت هستند. او به این نتیجه رسید که برای تقویت قدرت تفکر این دانشجویان دیگر بسیار دیر شده است و قدرت استدلال باید از همان کودکی تقویت شود. لیپمن را بنیان گذار فلسفه برای کودکان می دانند [۴].

تدریس تفکر با زبان کودکی

عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم عصر اطلاعات و دانایی است. در این عصر یکی از مهمترین اهدافی که باید دنبال شود، پرورش قدرت تفکر افراد جامعه است و برای رسیدن به این مقصود باید از کودکی آغاز کرد و ذهن کودکان را با شیوه‌های مناسب پرورش داد. در بین شیوه‌های مختلف آموزش تفکر به کودکان بهترین شیوه، پرورش ذهن از طریق بازی است.

دوره ای که ما در آن قرار داریم تحت عنوان عصر اطلاعات و دانایی یاد می‌کنند. با نگاهی به گذشته در می‌یابیم بشر تاکنون دو دوره دیگر را نیز پشت سر گذاشته است: دوره اول دوره کشاورزی است. در این دوره نیروی کار دست است و استفاده بشر از دانش خود بسیار محدود و جزئی و منبع اصلی این عصر کارخانه‌ها بودند. در دوره کنونی که عصر فرا صنعتی است، نیروی کار عمدتاً خبره و افراد ماهر هستند. بنابراین پایه و اساس این عصر، دانش و دانایی است [۵].

متناسب با عصر کنونی یکی از مهمترین اهدافی که باید دنبال شود، پرورش قدرت تفکر افراد جامعه است چرا که در عصر حاضر آنچه انسان را قادر می‌سازد تا خود را با پیشرفتهای بشری همگام سازد و به سلاح علم، هنر، اخلاق و معنویت مجهز شود و توانایی حل چالشهای پیش‌رو را داشته باشد پرورش قدرت فکری اوست. با این وجود در غالب موارد، سبک‌های آموزش در دوران کودکی به گونه‌ای است که بخوبی تواناییهای ذهنی را پرورش نمی‌دهد و کودکان را واجد تفکر نقاد و خلاق نمی‌کند و به همین دلیل، آنان در این دوران، از مهارتهای زندگی که براساس قدرت تمییز شکل می‌گیرند، برخوردار نیستند. این امر از آنرو است که مربیان و والدین از شیوه‌های سنتی برای آموزش کودکان بهره برده‌اند. در این شیوه آموزشی، حفظ کردن مطالب اهمیت دارد، حال آنکه حفظ کردن مطالب و انباشتن ذهن از مجموعه‌های وسیعی از اطلاعات، گونه‌ای مهارت فکری کم‌ارزش و سطحی را به کودکان ارائه می‌دهد [۶].

برخی از پیش فرضهای روشهای سنتی آموزش بشرح زیر است:

- علم و معرفت تقریباً معادل اطلاعات است. نتیجه آنکه، اگر کسی اطلاعات حاضر و آماده را از معلم دریافت کرد و آنها را بخاطر سپرد، صاحب علم و معرفت خواهد شد.
- کودکان نیازی به تأمل در مورد مطالب آموزشی ندارند، چرا که قبلاً بزرگان تأمل و تفکرات لازم در مورد این مطالب را به عمل آورده‌اند.
- کودکان نه تنها نیازی به تحقیق و تأمل در امور جهان ندارند، بلکه آنها اساساً نمی‌توانند و نباید خودشان برای خودشان فکر کنند.
- کودکان نه تنها علاقه‌ای به پرداختن به مسائل انتزاعی ندارند، بلکه اصولاً قادر نیستند با مفاهیم انتزاعی و قالبهای استدلالی سروکار داشته باشند.
- شاگردان در جریان آنچه یاد می‌گیرند، نقش مؤثری ندارند.
- به مرور زمان پیش‌فرضهای شیوه‌های سنتی زیر سؤال رفت و تغییر در آنها ضروری قلمداد گردید و دیویی و لیپمن از جمله افرادی بودند که در این پیش فرضها تردید کردند و سعی در ارائه رویکردی جدید نمودند. دیویی معتقد بود چیزهایی مثل دانش و ایده‌ها مثل آجر نیستند که بتوان آنها را تقسیم کرد و از شخصی به شخص دیگر منتقل کرد (دیویی ۱۹۱۶). به نظر او در آموزش باید از شیوه‌های عملی استفاده کرد و باید به امور حسی و عینی تأکید کرد تا کودک درگیر فرایند آموزش شود نه اینکه صرفاً با یکسری مفاهیم نظری و کلی گویی، مفاهیم مورد نظر را انتقال دهد [۷].

بازی و پرورش تفکر

بازی یکی از عوامل مهم و ضروری در پرورش تفکر کودکان و رشد اجتماعی آنهاست. هرچند بازی کردن از دوران طفولیت آغاز می‌شود اما در برخی از افراد تا بزرگسالی ادامه می‌یابد چرا که بازی برای کودکان و بزرگسالان سرگرم کننده، چالش برانگیز و لذت‌بخش است. در کنار این ویژگیها از بازی می‌توان بعنوان یک روش آموزش تفکر نیز بهره برد. مربیان و والدین می‌توانند از

فرصتهای آموزش و یادگیری که بازیها فراهم می‌کنند در جهت پرورش ذهن کودکان بهره‌برند و این مستلزم آشنایی آنها با برخی از بازیها مثل آیین، ذره‌بین و ... است. همچنین والدین و مربیان با کمک به کودکان برای شرکت در انواع مختلفی از این بازیها علاوه بر پرورش قدرت تفکر و بارور نمودن استعدادهای ذهنی کودکان، می‌توانند این فرصت را بیابند که یکبار دیگر دنیا را از دریچه چشم کودکان ببینند.

اغلب روانشناسان و کارشناسان تربیتی معتقدند اگر بخواهیم استعدادهای فکری و توانایی ذهنی افراد را به بهترین وجه پرورش دهیم باید از کودکی آغاز کنیم و از شیوه‌های آموزشی مناسب بهره‌بریم. برای پرورش تفکر در کودکان هرچند می‌توان از روشهای گوناگونی مدد گرفت اما در بین سبکهای آموزشی، یکی از بهترین و لذت‌بخش‌ترین سبکها که به پرورش تفکر کمک شایانی می‌کند استفاده از بازی است. تحقیقاتی که بر روی مغز انجام گرفته‌اند می‌گوید این ادعا است که بازی کردن بر رشد کودکان تأثیر گذار است. بازی کردن در کنار پرورش قدرت تفکر در کودکان منجر به ایجاد لذت و رشد خلاقیت می‌شود [۸].

همچنین بازی، کودکان را قادر می‌سازد تا جهان را بهتر درک کنند، فهم اجتماعی و فرهنگی‌شان را گسترش دهند، افکار و احساساتشان را بیان کنند، یاد بگیرند که دیدگاهها و نظرات افراد دیگر را هم در نظر گیرند، بر خود کنترل بیشتری داشته باشند، مهارتهای زبانی و گفتاری خود را بهبود بخشند و با تمرین نقشهای اجتماعی در خلال بازی، مسئولیتهای خود را در جامعه یاد گیرند. بعلاوه جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم سرعت در حال تغییر است و سرعت این تغییرات به حدی است که ما نمی‌دانیم فرزندانمان در بزرگسالی با چه مسائلی روبرو خواهند شد ولی می‌دانیم برای اینکه بتوانند با این مسائل روبرو شوند باید فکر پرورش یافته و خلاق داشته باشند و بازیهای مناسب می‌تواند به این امر کمک شایانی کند.

بازی انواع مختلفی دارد که برخی از آنها به شرح ذیل است:

بازیهای فیزیکی: شامل آن دسته از بازیها است که کودک در آنها از عضلاتش استفاده می‌کند و تمام بدنش را در این بازیها درگیر می‌کند و از حرکات بدنیش لذت می‌برد، مثل شنا و دوچرخه‌سواری.

بازیهای خلاق: که از تخیل خود کودک نشأت می‌گیرد. این نوع بازیها به کودک اجازه می‌دهند تا ایده‌های جدید را امتحان کند و از تخیلش در ساخت چیزهای تازه بهره‌گیرد. در اینگونه بازیها کودک قوانین بازی را خود خلق می‌کند و در طول مدت بازی از تخیلش کمک می‌گیرد، مانند ساخت چیزهایی با خاک رس یا خمیر بازی.

بازیهای زبانی: بچه‌ها دوست دارند با الگوهای زبانی و صداها بازی کنند وقتی افراد کارکردها و قالبهای زبانی را برای سرگرم شدن دستکاری می‌کنند بازیهای زبانی رخ می‌دهد. بازیهای زبانی شامل بازیهای بچه‌ها با کلمات و صداها می‌شوند، جوکها و داستانهای خنده‌دار و تغییر دادن تن صدا نمونه‌ای از بازیهای زبانی‌اند.

بازیهای وانمودی: در این بازیها بچه‌ها وانمود می‌کنند که موضوعات، کارها و موقعیتهایی که در بازی دارند واقعی است. مثلاً وقتی کودک به عروسکش غذا می‌دهد و قاشق را به دهان عروسکش نزدیک می‌کند در این شرایط کودک وضعیتی ایجاد می‌کند که گویا آن شرایط بمعنای واقعی کلمه اتفاق افتاده و عروسکش موجودی زنده است که حقیقتاً در حال میل غذاست و یا زمانی که کودک خود را جای پلیس، مادر، دکتر یا فروشنده می‌گذارد و وانمود می‌کند نقش آنها را داراست یکی دیگر از بازیهای وانمودی را به نمایش می‌گذارد. [۹]

بازیهای با قاعده: در این شیوه بچه‌ها از یک سری قوانین پیروی می‌کنند تا به هدف مشترکشان برسند، مثل بازیهای کامپیوتری. بازیهای نظارتی: وقتی است که کودک به بازی دیگران نگاه می‌کند ولی خودش درگیر بازی نیست. مثل گفتگو کردن و نظر دادن در مورد بازی بدون اینکه خودش بازی کند [۱۰].

بحث و نتیجه‌گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می‌شود که این توانایی در تصمیم‌گیری و نیز حل مسأله سهیم است، بدین صورت که با استفاده از آن، راه‌های جایگزین در هنگام تصمیم‌گیری‌ها و نیز نتایج متنوعی از اعمال فرد یافت می‌شود. این ویژگی باعث می‌شود

که فرد فراتر از آنچه که به صورت مستقیم تجربه می‌کند را دریابد. همچنین، در مواقعی که نیازی به تصمیم‌گیری نیست، این مهارت سبب می‌شود که او در برخورد با وقایع روزمره زندگی منعطف عمل کرده و خود را با آنها سازگار کند.

منابع و مأخذ

1. Ennis . R . (1962) A Concept of Critical Thinking Harvard Edusstional review.
2. Ennis . R .(1987) A taxonomy of Critical thinking dispositions and abilities .
3. Ennis . C. (1991). 'Discrete thinking in two teachers physical education classes' , The ElementarySchool Journal , No. 91.
4. Facione NC , Facione PA. Externalizing the critical thinking in knowledge development and clinical judgment. Nurs Outlook 1996; 44(3): 129-36.
5. Fisher , R. (1۹95): Teaching children to learn , London: Blach well / Simon and Schuster/ Stanley thornes.
6. Fisher , R. (1۹98) teaching thinking.philosophical inquiry in the classroom.london: continuum.
7. Fisher , R. (199۹): First stories for thinking , Oxford: Nash Pollock.
8. Kane , Jeffry. (1985): "Education and the search for coherence ," teacher college record 85 , No , 4.
9. Karplus . R. and others .(1978) Science Teaching and the Development or Reasoning . Berkeley .Calif : Lawrence Hall of Science .Universiti of Colifornia .
10. Lipman , M. and sharp , A.M. and oscanyan , F.S. (1980): philosophical inquiry: instructional Manual to Accompany Harry. Secound Edition.Montelair , N.J.: (IAPC).
11. Malloch K. , Porter-O'Grady T. Introduction to Evidence Based Practice in Nursing and Health Care.. Boston: Jones and Bartlett Publishers 2006.
12. Quinn FM. Principles and Practice of Nurse Education. Croom Helm Ltd 1998.
13. Splitter. : L.J. and sharp , A.M. (1995): Teaching for Better Thinking.The classroom community of inquiry. Melborn , Scer.
14. Swansburg R C , Swansburg R J . Introduction to Management and Leadership for Nurse Managers.Boston: Jones and Bartlett Publishers 2002.
15. Vacek JE. Using a conceptual approach with concept mapping to promote critical thinking. [Serial online cited] Mar- Apr 2010.
16. Woolfolk . A . E. (1987) . Educational Psychology (3 rd ed) . Englewood Clifs ,N.J. : Prentice _ Hall .